



حزب کمونیست کارگری - کمونیست

۲۷ آذر ۱۳۸۸

۱۸ دسامبر ۲۰۰۹

خالد حاج محمدی

خمینی سمبل جنایت هر دو جناح جمهوری اسلامی

هفته گذشته ماجرای سوزاندن عکس خمینی تیتر اصلی بخش اعظم روزنامه های ایران را به خود اختصاص داد. "عکس امان را سوزانده اند" و حول آن هزار بحث و تهدید و خط و نشان کشیدن از جانب جناح حاکم و محکوم کردن این حرکت و اعلام " توطئه ای درکار است" از جانب جناح سبز. سوزاندن عکس خمینی در ۱۶ آذر به میدانی برای مسابقه یاران قدیم و جدید امام برای نشان دادن وفاداریشان به او بود.

خمینی سمبل و چکیده ارتجاع اسلامی در سی سال گذشته و رهبر یکی از جنایتکارترین حکومت‌های تاریخ بشر بوده است. تا جایی که به جامعه ایران برگردد کمتر خانواده ای یافت میشود که در این سی سال یکی از عزیزان خود را به جرم مخالفت و داشتن عقیده مجزا به دست دولتی که خمینی در راس آن بوده است از دست نداده باشد یا به دست یاران قدیم و جدید امام در سیاهچالهای مخوف حرمت و کرامتشان له نشده و جسم شان زیر شکنجه تکه پاره نشده باشد. سوزاندن عکس چنین جنایتکاری بدست مردمی که در حاکمیت جمهوری اسلامی جز آپارتاید جنسی، دوختن لب

صفحه ۲

هشدار!

توطئه تروریستی جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون

جمهوری اسلامی دور جنید تروریسم خود در خارج کشور را آغاز کرده است.

طی یک ماه گذشته رژیم اسلامی اقدام به معرفی فعالین و رهبران سرشناس سیاسی اپوزیسیون ایرانی به عنوان تروریست و باند مجرمین سازمان یافته (Organized Crime) به اینترپول کرده است.

اینترپول نیز کورکورانه اقدام به صدور پوستر های تحت تعقیب (Wanted) برای این افراد نموده است. در این رابطه تاکنون برای افراد زیر پوستر و دستور تعقیب صادر شده است: علی عبدلی،

رسول بناوند، رحمت فاتحی، عبدالله دارابی، اسد گلچینی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، کورش مدرسی، مظفر محمدی، توفیق پیر خضری، صالح سرداری و سلام زیجی. این افراد همه از رهبران و فعالین سرشناس اپوزیسیون ایران و از اعضا و دوستان حزب کمونیست کارگری حکم‌نیت هستند. جمهوری اسلامی که رکورد دار وفاحت در میان همه نولت های جنایتکار است خود اینبار رکورد خود را شکسته است.

جمهوری اسلامی و رهبران آن از جمله

کارگران جهان متحد شوید!

جنایتکارانی هستند که فی الحال به اتهام نسل کشی مخالفین خود، ترور کسانی مانند غلام کشاورز، صدیق کمانگر، عبدالرحمان قاسملو، صادق شرفکندی، شاپور بختیار، عبدالرحمان برومند، فریدون فرخزاد، و همچنین انفجارات تروریستی در فرانسه و آرژانتین و سرکوب و ترور مستمر مخالفین خود توسط دادگاه های اروپا و آمریکا و همین پلیس بین المللی تحت تعقیب اند. اینکه پلیس بین المللی چنین حکمی را از چنین کسانی پذیرفته است تنها مایه شرمندگی این نهاد است.

جمهوری اسلامی اینبار نتوان از بکار گرفتن تیم های شناسایی و ترور خود از اینترپول (پلیس بین المللی) و پلیس همه کشورهای عضو این نهاد استفاده کرده است. اگر امروز به همت **صفحه ۲**

کورش مدرسی عدالت سرمایه داری، عدالت کارگری

در حاشیه حکم اخراج اسالو

داریم و عدالت کارگری داریم. دسته بندی واقعی غیر از این وجود ندارد. این واقعیت را طبقه کارگر در هر لحظه زندگی خود تجربه میکند. تجربه میکند چشم فرشته عدالت کور نیست.

در مقابل این عدالت سرمایه داری طبقه کارگر نتنها از نمایندگان، رهبران و فعالین خود دفاع میکند و این احکام اخراج را محکوم میکند، به طبقه سرمایه دار قول میدهد که با انقلاب کارگری

عدالت کارگری را به اجرا در خواهد آورد: همه سرمایه داران را از شغل سرمایه دار اخراج خواهد کرد و آنها را مجبور خواهد کرد که بجای به جیب زدن ثروتی که دیگری تولید میکند همچون همه شهروندان کار شرافتمندانه ای را انجام دهند و خود در کنار تولید نعمت **صفحه ۲**

دیوان عدالت جمهوری اسلامی حکم اخراج منصور اسالو را صادر کرد. اسالو به همان دلیلی زندانی و اخراج شد که فعالین کارگری نیشکر هفت تپه که رهبران کارگران عسلیویه و صد ها فعال و رهبر کارگری دیگر اخراج شدند: دفاع از حق کارگران در مقابل سرمایه داران.

مطابق عدالت جمهوری اسلامی هر کس در محیط کار "اخلال" کند باید از نان خوردن بیفتد. این عدالت اسلامی خطاب به همه کارگران است. این عدالت سرمایه داری است. سرمایه داری همه جا همین

در نیای امروز ما عدالت سرمایه داری

بهرام مدرسی فریب ارتجاع سبز و سیاه را نخورید!

در مراسم های ماه محرمان شرکت نکنید!

را پای نماز جمعه کشاند، آنها مردم را پای روز قفس و ۱۳ آبان و دیگر مراسم های روزه خوانی هایشان کشاندند. آنها مردمی که تف به کل این ارتجاع مذهبی میکنند را مسلمان کردند. آنها با کمک نیروهایی چون حزب توده، اکثریت، کمونیست کارگری، سلطنت طلبان و قوم پرستان و کل میبای غرب از بی بی سی تا سی ان ان مردم را به خیابان کشاندند و آنها را دست بسته تقسیم وزارت اطلاعات و اوین دادند. جناح سبز آنها خونهای پاشیده به خیابان ها را وثیقه معامله شان با جناح مقابل میکنند. **صفحه ۳**

بیکار نشسته اند. کمونیست ها و آزادیخواهان واقعی را غل و زنجیر میکنند و با سرکوبشان تلاش دارند که تنها راه مقاومت علیه فشارشان را غیر رسمی جنبش سبز اعلام شود. ارتجاع سبز مردم و بخصوص جوانان

کمیته کردستان
**جنایتکاران اسلامی مصلح
زمانی را اعدام کردند**
صفحه ۳

سیف خدایاری
حجاب گیت "آزادیخواهان"
سبز
صفحه ۴

هلاله طاهری
قران و بی حقوقی زنان
صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خمینی سمبل...

و برین زبان و اعدام و شکنجه مخالفان را ندیده اند، عادی ترین عکس العمل است.

داد و فغان جناح سبز از این واقعه بیان ماهیت واقعی آنها و اثبات آنچه است که ما تا کنون علیه هر دو جناح گفته ایم. سبز بخشی از جمهوری اسلامی است نه کمتر و نه بیشتر. ایستادن در صف سبز با هر نیتی حتی با عمق تنفر از کل جمهوری اسلامی، تقویت سبز است. آنچه در این صف خواهیم دید عمق و نهایت "آزادخواهی" این جریان با همه دگرانییشان و مداحان مختلف آن است. اگر سوزاندن عکس خمینی چنین "جنایت مخوفی" تلقی میشود، دلیلی ندارد سوزاندن عکس موسوی و رفسنجانی و ختمی چنین نباشد. "سبزه‌ها بیابند سرکار اوضاع بهتر میشود" قبل از اینکه حقیقتی را در بر داشته باشد، بیان تمایل و منفعت مشترک احزاب و جریاناتی است که با این عنوانها به چشم مردم خاک میآیند.

سبز و سپاه جناحهای یک حکومت با سی سال سابقه جنایت هستند. اختلاف آنها، اختلاف نمایندگان و جناحهای مختلف بورژوازی ایران است که منافع زمینی و سود و سرمایه بیشتر را دنبال میکنند. زندان و شکنجه و استبداد بخشی از ماهیت واقعی و نیاز آنان برای رام کردن جامعه و به تمکین کشاندن مردم است. حقایق این دوره بار دیگر نشان داد که در کشوری چون ایران بورژوازی دمکرات نداریم، دمکرات ترین آنها برای تأمین سود به همان سیستمی متوسل خواهند شد که دهها سال است در جوامعی چون ایران و در سی سال گذشته متوسل شده اند. استبداد بخشی از رونمای سیاسی این جامعه برای تأمین سود دهی سرمایه بر کرده طبقه کارگر است.

عدالت سرمایه داری ...

برای جامعه از این نعمات برخوردار شوند.

مانیفست این عدالت کارگری را بیانیه حقوق جهتشمول انسان چنین اعلام میکند:

استثمار انسان ممنوع است. کار مزدی، که اساس استثمار انسان در دنیای امروز است، و همچنین هر نوع انقیاد، بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیهی ممنوع است.

کار فعالیت آزاد و خلاق انسان است. هر کس حق دارد خلاقیت‌های فکری و عملی خود را گسترش داده و بکار اندازد.

در این دوره آنچه تراژیک بود نه عکس العمل باران امام و قاتلین و شکنجه گران و حاکمان حکومت اسلامی، که فروش بسته بندی شده بخشی از همان ارتجاع به عنوان انقلاب آزادیبخش، به عنوان تنها راه رسیدن مردم آزادیخواه به سعادت و آسایش، از جانب احزاب و جریاناتی است که اسم چپ و سوسیالیست بر خود نهاده اند. جریانات مختلفی در این دوره تلاش کردند به نام دفاع از آزادی و رفاه مردم، آنان را به زیر پرچم سبز بکشاند. تلاش کردند انقلاب را از روز قدس و نماز جمعه رفسنجانی بیرون بکشند و امروز خزیده میخوانند شانه خود را از زیر بار نقش مخربی که داشتند خالی کنند.

چراپی این حقیقت در دوره ای است که در آن قرار داریم، دوره ای که چرخشی عظیمی در صف اپوزیسیون جمهوری اسلامی از چپ تا راست صورت گرفته است. دوره ای که دوران انقلابیگری روشنفکران ناراضی طبقات دارا به پایان رسیده است. دوره ای که کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی شاهد تفکیک سیاسی وسیع و همه جانبه در صف خود است. پاسخ این چراپی در فرا رسیدن زمانی است که دوره آزادیخواهی کمونیسم طبقه کارگر است. این دوره با تمام مشقات آن فضایی به شدت قطبی ایجاد کرده است، احزاب و جریانات سیاسی در صف بندهای واقعی و قابل شهود در مقابل جامعه قرار میگیرند. همین حقیقت امکان تشخیص و انتخاب را به مردم میدهد، این دوره در عین حال دوره ریختن توهمات کارگران و زنان و جوانان آزادیخواه به انقلابیون نیم بند، به کمونیسم بورژوازی، و به همه احزایی است که در صف سبز با هر توجیهی ایستادند. و دوره بازیافتن نمایندگان واقعی اعتراض رادیکال طبقه کارگر به نابرابری و بی عدالتی در این جامعه است.

هرکس مستقل از نقش او در تولید میتواند از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار گردد. همه انسانها در برخورداری از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه دارای حق برابر هستند.

همه انسانها حق فراغت، تفریح، آسایش و امنیت دارند. هر کس حق دارد از مسکن مناسب و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی برخوردار باشد.

حزب حکمتیست هدف خود را تحقق این آرمان قرار داده است.

هشدار! ...

افشاگری ها همین اپوزیسیون و مبارزه مردم ایران و طبقه کارگر آن دولت ایران قادر نیست دیگر تیم های خود را به سادگی به خارج کشور اعزام کند، ظاهرا پلیس بین الملل و همچنین پلیس کشورهای عضو آن قرار است که این کار را برای آن انجام دهند: اطلاعاتی که از این افراد دارند را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهند و در صورت امکان آنها را دستگیر و تحویل دهند.

جمهوری اسلامی با داشتن چنین اطلاعاتی ساده تر تیم های اسلامی تروریست خود را اعزام خواهد کرد. تردید در این واقعیت و توهم نسبت به قابلیت های جنایت کاری این رژیم مهلک است.

این اقدام پلیس بین المللی فی الحال امنیت این افراد و کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج کشور را در مخاطره قرار داده است. اینترپول با این کار خود بعلاوه در داخل کشور هم به فضای ارعاب کمک کرده است. پلیس بین المللی با این کار خود دارد اعلام میکند که اگر علیه جمهوری اسلامی هستیاید باید در خارج کشور هم مثل داخل کشور خود را مخفی کنید. اینترپول، دانسته یا ندانسته، با این کار خود پرده ترور جمهوری اسلامی را به خارج کشور گسترش داده است.

ماهیت پرونده سازی جمهوری اسلامی محتاج هیچ افشاگری ای نیست. آنچه لازم به تأکید است این است که اگر این توطئه در همین نطفه خفه نشود این لیست طولانی تر و طولانی تر خواهد شد و دیر یا زود همه مخالفین جمهوری اسلامی را در بر خواهد گرفت. کدام فعال سیاسی و یا فرهنگی و هنری از گذاشتن اسلحه روی پرونده اش معاف است؟ مگر جمهوری اسلامی وقاحت لازم را نداشت تا روی پرونده منصور اسالو اسلحه و پول آمریکا را بگذارد و او را محکوم کند؟ مگر چنین وقاحتی خارج از ظرفیت جمهوری اسلامی است که فردا برای هر فعال هنری و فرهنگی پرونده مواد مخدر و قاچاق زن به دبی بسازد؟ مگر روی پرونده دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب اسلحه، مواد مخدر و "اتهامات جنسی" نگذاشتند؟ مگر بعید است که فردا جمهوری اسلامی برای همه کسانی که در کردستان علیه آن جنگیده اند قرار بازداشت به اتهام تروریسم یا باند جنایت کار سازمان یاقه صدر کند؟ تصور نتایج تحقق چنین توطئه ای سخت نیست. بهای این اقدام را اپوزیسیون با جان خود و یا با فدا کردن حرمت و کرامت خود و قبول تحقیر در مقابل حقیر ترین جنایتکاران تاریخ اخیر جهان خواهد پرداخت. آنچه که باید از جمهوری اسلامی آموخت این

است که تنها راه پس زدن آن، تنها راه کوتاه کردن دست آن از زندگی مخالفینش مبارزه با آن و خفه کردن هر توطئه آن است. بهای این تجربه را اپوزیسیون ایران با جان خود پرداخته است.

حزب حکمتیست این اقدام اینترپول را شدید محکوم میکند. از اینترپول میخواهد که از ادامه این اقدام خود داری کند و فوراً این لیست را ملغی کند. ما اینترپول و پلیس و دولت های عضو این نهاد را مسئول مستقیم هر اتفاقی که برای این افراد بیفتد میدانیم.

ما اینترپول را مسئول تقویت فضای پلیسی در ایران میدانیم.

ما قادر هستیم که در مقابل اوباش جمهوری اسلامی و همکاران آن از خود دفاع کنیم اگر دست از پا خطا کنند آنها را سر جای شان خواهیم نشاند. در همان حال ننشاندن این مسئله را به دادگاه های مربوطه در اروپا و آمریکا خواهیم کشید و از اینترپول برای به مخاطره انداختن امنیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی شکایت خواهیم کرد، بلکه در صحنه سیاسی تلاش میکنیم تا بیشترین تعداد از احزاب سیاسی ایرانی و غیر ایرانی، نهاد های بین المللی، اتحادیه های کارگری، کانون ها و بنیاد های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، مردم در اروپا و آمریکا، میثای ایرانی و غیر ایرانی و بالاخره شخصیت های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را به اعتراض به جمهوری اسلامی و اینترپول جلب کنیم.

تنها با اعتراض و با نیروی همگانی ماست که میتوانیم امنیت همگانی را در مقابل تروریسم دولتی جمهوری اسلامی تضمین کنیم و این شیدان را مهار نماییم.

ما در زمان مناسب پلیس بین الملل را در مقابل انتخاب قرار خواهیم داد. همراه کل جمعیتی که ملای و قادر به شرکت در این اقدام باشد در اعتراض به این اقدام خود را به اینترپول معرفی خواهیم کرد و پلیس بین الملل را مجبور خواهیم کرد که اعلام کند که درخواست رژیم اسلامی مبنای هیچ اقدامی نیست. عملاً و رسماً پوزه رژیم را به خاک خواهیم مالید آن را بی اعتبار تر از همیشه خواهیم کرد.

حزب حکمتیست از همه احزاب سیاسی، نهاد ها و شخصیت های مترقی دعوت میکند که به هر صورت و شکل که مناسب میدانند به این کارزار به پیوندند. ما متعاقباً در این رابطه اطلاعات بیشتری را در اختیار همگان قرار خواهیم داد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۴ آذر ۱۳۸۸ - ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹

فریب ارتجاع

آنها در فضای "مردم" جنبش زنان را صاحب شود. با سرکوب و زندان فعالین جنبش کارگری چنان امکان تحرک سیاسی را از کارگران گرفته اند که نمایندگان جنبش سبز و سیاه هر دو میتوانند یکی به نمایندگی از "مردم" و دیگری به نمایندگی از "امت" کارگران را سر مخالف کل رژیم بود را زند، گرفتند، بیرند، سوسپید ها را حذف کنند و اگر زندانی کردند و به جوخه های اعدام سپردند. از دوسال پیش از انتخابات ده ها و صدها تن از فعالین سیاسی یکی با مهر سیاه و دیگری با مهر سبز. دانشجویی، کمونیست ها و فعالین کارگری، زنان و معترضین به رژیم را دستگیر و روانه زندان کردند. چنان فضایی پادگانی و گورستانی را به جامعه حاکم کردند که اعتراض در آن فقط امکان گذشتن از فیلتر ارتجاع سبز را برای خود ببیند.

نیروهای "چپ" و سلطنت طلب هم به سهم خود در پاشیدن خاک به چشم مردم و قانع کردنشان در این که شرکت در تحریکات ارتجاع سبز راه انقلاب آنها علیه رژیم است و اینکه گویا با شرکت در اعتراضات جریان سبز میتوان کلاه سر این جنبش گذاشت و رژیم را سرنگون کرد، در حمایت از ارتجاع سبز سنگ تمام گذاشتند.

امروز دیگر باید برای آنکس که تحمل این سناریو ارتجاعی را ندارد باید روشن شده باشد که راه ما از این خیابان نمیگذرد.

- اینها عمدا مقوله "مردم" را چنان عمومی و همه گیر مطرح میکنند که گویا میان این "مردم" نه سیاست مهم است، نه هدف، نه طبقات و نه هیچ چیز. ظاهرا جنبش سبز به نمایندگی از این "مردم" مقابل جناح سیاه "ضد مردم" قرار گرفته است. این دروغی بیش نیست!

- "مردم" در تبلیغات این جریانات مفهومی غیر سیاسی است. برای مثال نمایندگان سیاسی اعتراض جنبش زنان با خطوط گوناگون سیاسی را قبلا روانه زندان کرده اند تا ممکن شود که خاتم

زهر را رهنورد به نمایندگی از این چه آنها که شعارهای این جنبش سبز "مردم" جنبش زنان را صاحب شود. با سرکوب و زندان فعالین جنبش کارگری چنان امکان تحرک سیاسی را از کارگران گرفته اند که نمایندگان جنبش سبز و سیاه هر دو میتوانند یکی به نمایندگی از "مردم" و دیگری به نمایندگی از "امت" کارگران را سر مخالف کل رژیم بود را زند، گرفتند، بیرند، سوسپید ها را حذف کنند و اگر زندانی کردند و به جوخه های اعدام سپردند. از دوسال پیش از انتخابات ده ها و صدها تن از فعالین سیاسی یکی با مهر سیاه و دیگری با مهر سبز. دانشجویی، کمونیست ها و فعالین کارگری، زنان و معترضین به رژیم را دستگیر و روانه زندان کردند. چنان فضایی پادگانی و گورستانی را به جامعه حاکم کردند که اعتراض در آن فقط امکان گذشتن از فیلتر ارتجاع سبز را برای خود ببیند.

همین "مردم" بگوید. این درست است که جمهوری اسلامی باید سرنگون شود، اما جنبش سبز بنابه خواسته هایش، موجودیتش و منافع طبقاتی اش نه میخواد و نه میتواند خواهان سرنگونی کل رژیم باشد. اینها خود بخشی از رژیمند آن کس که شعار "مرگ بر نیکتاتور" را بجای شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" میگذارد و ادعا میکند که گویا این قدم اول برای سرنگونی رژیم است یا بله است و یا اینکه قصدی جز فریب مردم و نگه داشتنشان زیر پرچم سبز را ندارد. "مرگ بر نیکتاتور" جنبش سبز مساوی با "زنده باد موسوی" است.

آنکس که تنها بخشی از رژیم را بعنوان هدف اعتراض مقابل مردم قرار میدهد و جناح سبز را "مردمی" و "از خودمان" و "انقلابی" و "متحد مردم" میخواند فریبکاری بیش نیست که منفعشش در حفظ همین رژیم اسلامی است. چه با اسلامیت ضعیفتر و چه ایرانیت قوی تر.

آنکس که به هر بهانه ای با هر شعار و خواستی مردم را به شرکت در مراسم های جنبش سبز دعوت میکند، چه آنها که به این جنبش "نقد" دارند و

آنکس که خواستش یکی از نکات بالا است باید دیگر قانع شده باشد که راهش از خیابان سبز نمیگذرد. تنها در صورتی میتوان رژیم اسلامی را سرنگون کرد و انقلاب سوسیالیستی کرد و جامعه را غیرمذهبی سازمان داد و دستمزدها را افزایش داد و حقوق کارگران را گرفت و آزادی زنان را عملی کرد که با چشمان باز به واقعیات امروز بنگریم و راهمان را از هر دو جناح رژیم و متحدین سیاسی و طبقاتی شان جدا کنیم.

در مراسم های محرمانه شرکت نکنیم! کل فراخوان های جریان سبز و سیاه را تحریم کنیم. در خاله ملان بسیار عاقلانه تر از به خیابان رفتن و تقویت جنبش سبز است! بگذارید این ها هر غلطی که میخوانند با هم بکنند. راه ما از کل این مرتجعین جدا است.

سناریو کشاندن مردم به جنگ داخلی شان را کلا تحریم کنیم تا امکان سازمان دادن جنبش خود را ببینیم!

جنایتکاران اسلامی مصلح زمانی را اعدام کردند

بامداد امروز پنجشنبه ۲۵ آذرماه جانیان اسلامی حاکم بر ایران بار دیگر با اعدام مصلح زمانی جنایت آفرینند. این واقعه تقریباً یک ماه بعد از اعدام احسان قتاحیان اتفاق افتاد.

جمهوری اسلامی مثل همیشه برای ارباب مردم به چنین جنایاتی دست زد. بهانه اعدام مصلح زمانی علاقه و دوستی و رابطه جنسی با دوست دخترش اعلام شد. در زندان سیاهی که این رژیم هار اسلامی بر کل جامعه گسترده است، عشق و علاقه و روابط انسانی دختر و پسر با هم جرم محسوب شده است. در حاکمیت اسلامی هر روز متجاوز به ابتدایی ترین حقوق انسانی، مناسبات طبیعی و اولیه انسانها "جرم" است!

اما بهانه اعدام مصلح را هر چه اعلام کنند، در پس این جنایت و تمامی اعدامهای روز مره در جامعه ایران، ترساندن مردم خوابیده است. سی سال تمام جانیان اسلامی حاکم بر ایران خمینی و رفسنجانی و خامنه ای و احمدی نژاد و موسوی و خاتمی با اتکا به زندان و شکنجه و صدها هزار اعدام خود را حفظ کرده اند. اکنون نیز در شرایط تفر عمیق توده مردم از جمهوری نکبت اسلامی، دامنه اعدام شهروندان را چه با اتهامات واهی سیاسی و یا اجتماعی گسترش میدهند. در مقابل این بساط زور و جنایت تنها نیروی متحد مردم با اهداف و مطالبات روشن و با قصد سرنگونی انقلابی کلیت جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با حاکمیت متکی به اراده مستقیم کارگران و توده مردم میتواند به زندان و شکنجه و اعدام و فقر و تبعیض و استثمار و نابرابری و سی سال کلبوس سیاه حاکمیت یکی از هارترین رژیمهای سرمایه داری دوران معاصر پایان دهد. در مقابله با اعدام مصلح زمانی چنین اتحاد و همبستگی میتواند جنایتکاران را به عقب نشینی وادار کند و در مقابله با اعدامهای احتمالی دیگر به چنین اتحاد و همبستگی نیاز هست.

کمیته کردستان حزب حکمتیست اعدام مصلح زمانی را محکوم میکند. به خانواده و بستگان وی تسلیت میگوید. ما مردم آزادیخواه و همه مبارزین و کمونیستها را به فعالیتی گسترده حول "نه به اعدام" و آزادی زندانیان سیاسی فرامیخوانیم.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفایی خلاقیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

قران و بی حقوقی زنان

اخیرا آیت الله سبحانی در یکی از سخنرانیها در مدرسه علمیه قم گفته خطرناکترین ادیان جهان است. از هر است که قران ارزش زیادی برای زنان قائل است. او فمینیستها را خطاب قرار داده که چرا این آیات مفید را نمیبینند. سبحانی مثالی از عدالت خواهی محمد میورد: "برای مثال وقتی زنان مدینه متوجه ثواب جهاد و جنگ در راه خدا شدند به پیامبر گلایه کردند که چرا ما از این اجر عظیم محروم هستیم که پیامبر پاسخ دادند جهاد زن خانه داری و خدمت به شوهر بوده و ثواب آن با جهاد در میدان جنگ برابر است".

سی سال است با علم و کوتل سبز و سیاه از هر بلندگو و منبر و مسجدها ملایان و آیت الله ها نعره میزنند و مردم را با خرافه های قران از این دنیا و از آخرت نامعلوم میترسانند. از بلندگوی مساجد نعره میکشند که "جهاد زن، خانه داری و شوهر داریست"، که "اگر تسلاوی بین و زن و مرد در دین اسلام نیست لابد خدا اینطور مصلحت میداند"، که "حجاب نشانه نجابت و پاکي زن است". در قران آمده است که "زنان کشتزار شما هستند پس به کشتزار خود درآیید، هر جا که خواسته باشید" (سوره بقره ۲۲۲) و یا در سوره النسا (آیه ۳۸) میگوید "مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است، به واسطه برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته...". در کتاب نهج الفصاحه در جزئیات به خشونت کردن و بی حقوق کردن زنان میپردازد و طی یک هزاره از تاریخ بشر مورد استفاده جریانات و دولتهای اسلامی است. هر جا پوتینهای سربازان اسلام به گوش رسیده ناقوس قلع و قمع مردم هم زده شده است و قبل هر چیز حمله به حقوق زنان به وحشیانه ترین شیوه شروع میگردد.

زن در قران وسیله لذت مرد است که باید او را کنترل کند. در انجیل هم همین است. در همه ادیان زن جنس پست تر، قابل کنترل و اطاعت پذیر است. انگار زن مهمان و مرد صاحب خانه است. مهمانی که بار هر چه توهین و بی احترامی بر نوش او بوده و بخاطر نافرمانی باید مجازات گردد. این سرنوشت همه زنان در همه ادیان است.

درنده خوبی اسلام علیه زنان در مقایسه با ادیان دیگر در عصر حاضر قابل مقایسه با هیچ کدام از ادیان دیگر نیست.

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

حجاب گیت "آزادیخواهان" سبز

روز ۱۶ آذر مجید توکلی یکی از سخنرانان مراسم روز دانشجو بعد از سخنرانی و خروج از دانشگاه امیرکبیر دستگیر شد. ساعتی بعد خبر گزارى فارس و سایت های اینترنتی وابسته به وزارت اطلاعات عکس مجید توکلی را در حجاب اسلامی و "لباس زنانه" منتشر کرده و ادعا کردند که مجید را در لباس زنانه دستگیر کرده اند. بررسی صحت و سقم این خبر، قوتشاپ بودن تصاویر و... اهمیت چندانی ندارد. در جامعه ای با فرهنگ متعفن اسلامی و مردسالار که زن انسان حساب نمیشود، معلوم است پوشیدن لباس زنانه هم ابزار توهین و تعقیب به "کرامت والای" مرد است و مجید توکلی نیز با این ابزار اسلامی و ضد زن تحقیر میشود. خارج از این در خفقان حاکم بر جامعه انسانها مجازند برای فرار از وضعیت خطر به هر وسیله ای پناه ببرند. جایی که برای تحقیر انسانها آفتابه بر گردن می اندازند، شلاق می زنند، زندان می کنند و خطر اعدام بالای سر هر آزادیخواهی دور می زند، مخفی شدن و استتار کردن امری عادی و قابل دفاع است. اما جمهوری اسلامی که فرهنگ ملی - اسلامی و ضد زن را علیرغم سی سال شکنجه، اسید و اعدام نتوانسته به فرهنگ مسلط جامعه تبدیل کند، "لباس زنانه" را به نشانه تحقیر مجید توکلی و دانشجویان بر تن او کرده به عکس مجید توکلی را در حجاب اسلامی و "لباس زنانه" منتشر کردند و ادعا کردند که مجید را در لباس زنانه دستگیر کرده اند.

به دنبال این رویداد از جانب بخش وسیعی از حامیان جنبش سبز افراد زیادی از "روشنفکران" و "دگراندیشان" از چهار گوشه دنیا برای ابراز همبستگی با مجید توکلی و در واقع برای همبستگی با جنبش ملی - اسلامی حجاب سر خود کردند و با افتخار حجاب اسلامی را که به نشانه تحقیر سر مجید توکلی کرده بودند پوشیدند، طبق سنت اسلامی مجید را "شرف جنبش دانشجویی" نام نهادند و تحت کمپین "ما همه مجید هستیم" حجاب اسلامی را رمز مبارزه با "

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

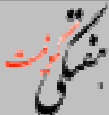
سر دبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید



به کمونیست کمک مالی کنید!